

خیابان کسب و کار من است!



صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران - خیابان آیت الله مدنی - کوچه خجسته منش - پلاک ۵
تلفن: ۶-۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز

بهناز زحمت کش نویسنده و کارگردان «قل آب» از یزد
تغز بهای که زنان انجامش می دهند

ایده اولیه نمایشنامه از کجا آمد و چرا برای شما جالب بود؟
ایده کلی از دو نوحه آماده است. اثر من از زاویه آب روایت می شود و
آب در مورد روز عاشورا سخن می گوید. زمین و زمان دوست ندارند که
خورشید طلوع کند و روز عاشورا برسد.

**اگر بخواهید به صورت کوتاه داستان نمایش تان را بگویید
چطور تعریفش می کنید؟**

پرنس آب، در نقش یک پرنسس که در قلعه، گیر کرده و منتظر
شاهزاده سوار بر اسب سفیدش است تا به دنبال او بیاید و او را با خودش
ببرد. پرنس آب در قلعه یزید گیر افتاده و شاهزاده سوار بر اسب سفید
هم حضرت عباس (ع) است و پرنس آب مدام می گوید بالاخره انتظار
تمام می شود و من به تو خواهیم رسید.

**چه شد که تصمیم گرفتید اثر را به جشنواره تئاتر فجر
ارائه کنید؟**

اثر در جشنواره مقاومت حضور داشت و از آن طریق به جشنواره
فجر معرفی شد. که اثر از همه لحاظ هم دقیقاً همان چیزی است که
در جشنواره مقاومت اجرا شد، به جز موسیقی. موسیقی آنجا پلی یک
بود و اینجا کاملاً زنده اجرا می شد. البته که سازها هم کلاً عوض شدند.

**آیا این کار برای اجرای صحنه‌ای مناسب تر نبود؟ چرا اجرای
خیابانی را انتخاب کردید؟**

چون می خواستم کار کوتاه باشد. می خواستم فقط آن مواجهه
حضرت عباس (ع) با آب را تصویر کنم. دوست داشتم یک شکل
تغز به ارائه دهم، تغز بهای که زنان انجامش می دهند. اکثراً خانم‌ها در
مراسمات عزاداری منفعل هستند و خواستم این انفعال به نحوی از
بین برود. نگاهی این چنینی داشتم و به این دلیل اثر را خیابانی کردم.

**وجود بخش نمایش خیابانی در جشنواره، برای اهالی این
سبک نمایشی مفید است؟**

حتماً. به هر حال خود ماهیت جشنواره فجر برای اهالی هنر یک
هویت دارای جایگاه است. زمانی هم که یک بخش به عنوان خیابانی باز
می کند، قابلیت برای فعالین عرصه نمایش خیابانی ویژه‌ای می شود.

می افتد.

**در میانه اجرا و همین بده بستان با تماشاگر، یک زباله گرد
وارد اجرای شما شد و اتفاقاتی رقم خورد. خودتان بیشتر
توضیح می دهید؟**

گریم من کاملاً شبیه زباله گردها بود و با همان ظاهر در حال اجرا
بودم. دو روز قبل از اجرا هم هیچ غذایی نخوردم تا وضع روحی و
جسمی ام هم به این عزیزان نزدیک شود. روز اجرا در حال جابجایی
یکی از سطل زباله‌ها برای اجرا بودم که یک زباله گرد آمد و دستم را
گرفت تا داخل سطل را نگاه کند. به او گفتم من این را رزرو کرده‌ام. او
گفت باشه و دستش را کشید و رفت. اما من حس کردم دوست دارم این
فرد در اجرای من باشد. رفتم و از او خواهش کردم که کنار من باشد.
گفت من نمی دانم باید چه کار کنم. گفتم شما کنار من باش و بقیه‌اش
را به من بسپار. خلاصه در طول نمایش رسول را کم کم وارد داستان
نمایش کردم و در پایان اجرا به او گفتم که حالا از زندگی خودت تعریف
کن. چند کلمه گفت و اشک همه در آمد. گفت: سلام. رسولم. پانزده
سال زندان بودم. برگشتم هیچ کس نبود. بعدش هم رفت. اما من دوباره
او را برگرداندم. همه برایش دست زدند و بعد من کلاهم را در آوردم و
برایش پول جمع کردم. در آخر هم دوستانی از شهرداری قول دادند
که پیگیر کارهایش بشوند و او را برای ترک ببرند و بعد هم برایش یک
شغل تدارک ببینند.

در انتها اگر نکته پایانی دارید بفرمایید؟

دوست دارم یک پیشنهادی که همیشه داشته‌ام را اینجا هم مطرح
کنم. به ادارات و ارگان‌ها می گویم که سالانه برای کارهای فرهنگی
به شما بودجه‌ای تعلق می گیرد؛ خیلی اوقات این بودجه‌ها را صرف
تبلیغاتی مثل بنر و امثال این‌ها می کنید. حالا بیایید یک سال هم تئاتر
خیابانی را امتحان کنید. خودم می گویم، خیابان کسب و کار من است
ما مستقیم با مردم در ارتباطیم و چه شکل تبلیغی بهتر از این وجود
دارد؟ مثلاً ایفای استان می خواهد بگوید که قدر نعمت آب را بدانید و
بهینه مصرف کنید. خب به جای بنر می شود یک نمایش خیابانی اجرا
کرد که هم به ارتزاق چند هنرمند کمک شود و هم تبلیغاتی مؤثر تر و
نافذتر ارائه داد.

**مصطفی کزازی - نمایش خیابانی یکی از مهم ترین سبک‌های
نمایشی است. پتانسیل‌های زیادی برای ارائه دارد اما از آن‌ها استفاده
نشده و نمی شود. وجود بخش نمایش خیابانی در جشنواره فجر به
صورت کلی بسیار کاری شایسته و مفید است، اما اصلاً کافی نیست.
فعالین این عرصه در طول سال و بین یک جشنواره تا جشنواره دیگر
چه می کنند؟ بستری برای فعالیت آن‌ها تدارک دیده شده؟ به اندازه
نمایش‌های صحنه‌ای به آن‌ها پتانسیل داده می شود؟ جواب همه این سوالات
تقریباً منفی است. این در حالی است که نمایش خیابانی اگر بیشتر از
نمایش صحنه‌ای پتانسیل نداشته باشد، حتماً کمتر نخواهد داشت.
خبرنگار صبا با این نگاه، به گفت‌وگو با نویسنده و کارگردان نمایش‌های
لیلی و مجنون و قل آب؛ نشست است که در ادامه می خوانید.**

**بهنام کاوه نویسنده و کارگردان «لیلی و مجنون» از آبادان
من رسول، پانزده سال زندان بودم**

ایده اولیه نمایشنامه از کجا آمد و چرا برای شما جالب بود؟
دغدغه من در کار خیابانی، خود خیابان است. یعنی هر اتفاقی
و ماجرای که در خیابان رخ می دهد. در طول سال درگیر بچه‌های
کار و بیشتر آن‌هایی که زباله گرد هستند، بودم؛ اینکه این‌ها چه
کارهایی می کنند و کجاها می روند و شب را چگونه می گذرانند و
مسائل این چنینی. این درگیری و دغدغه باعث شد نوشتن این متن
را شروع کنم.

**اگر بخواهید به صورت کوتاه داستان نمایش تان را بگویید
چطور تعریفش می کنید؟**

مجنون، شخصی که نام و نشانی ندارد و از جامعه هم طرد شده
است، در قامت یک زباله گرد و با یک سطل زباله بین مردم می آید و
داستان زندگی‌اش و همچنین روایت‌هایی که شب در منطقه و مکان
استراحتش اتفاق می افتد را برای مردم تعریف می کند.

**در اثر شما تماشاگران مستقیماً با بازیگر وارد دیالوگ
می شوند. در این باره کمی توضیح می دهید؟**

اثر من تماشاچی محور است. یعنی اساساً تماشاگر اثر را جلو می برد.
بازیگر مستقیم با تماشاگر بده بستان دارد و همه اتفاقات با تماشاگر



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره‌های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir